

www.ketab.ir
تاریخ اندیشهٔ سیاسی جدید در اروپا

جلد نخست: از نوزایش تا انقلاب فرانسه ۱۵۰۰-۱۷۸۹

دفتر نخست:

جدال قدیم و جدید در الهیات و سیاسات

جواد طباطبایی

موضوع: سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا / حماد طباطبایی

مشخصات نشر: تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۵۱-۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۵۱-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه به صورت زیرنویس

یادداشت: نامه

متممات: ج ۱، دفتر اول: از تبارش تا انقلاب فرانسه، جدال قدیم و جدید در الهیات و سیاست / ج ۲، دفتر دوم: از تبارش تا انقلاب فرانسه، جدال قدیم و جدید در الهیات و سیاست

موضوع: علوم سیاسی / اروپا -- تاریخ
رده‌بندی کنگره: ۴ / الف ۱۸۸۱ / ۱۳۹۳ ط

رده‌بندی دیوبی: ۳۲۰/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۸۲۹۰



انتشارات مینوی خرد

تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا

حماد طباطبایی، از تبارش تا انقلاب فرانسه

دفتر اول

جدال قدیم و جدید در الهیات و سیاست

حماد طباطبایی

طراح جلد: مهران زمانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ راستین

چاپ اول ۱۳۹۳

۱۵۰۰ نسخه، قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

انتشارات مینوی خرد، بلوار میرداماد، خیابان شاه نظری

خیابان دوم، شماره ۷۲ / واحد ۲۲

تلفن: ۲۲۹۲۲۰۱۱ / ۲۲۲۵۶۹۴۲ / ۲۲۲۵۷۷۱۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۵۱-۵

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۵۱-۲

www.minooyekherad.com

فهرست مطالب

۹	درآمد
۱۰۰	اختصارات
۱۰۱	فصل نخست: تدوین مفهوم سنت در الهیات سیاسی
۱۴۵	فصل دوم: مناقشه متأخرین بر قدا دربارۀ سنت
۲۱۱	فصل سوم: اصلاح دینی و مناقشه بر سنت کلیسایی
۲۶۱	فصل چهارم: دوران جلود و مبنای متأخرین
۳۰۷	فصل پنجم: سیاست در محدوده شریعت
۳۶۱	فصل ششم: اندیشه سیاسی در منطقه فراخ ایمان
۴۲۳	فصل هفتم: اندیشه سیاسی اصلاح دینی و مخالفان آن
۴۷۹	فصل هشتم: نظریۀ سلطنت الهی و سلطنت مستقل
۵۳۷	شرح حال نامه
۵۴۵	کتاب شناسی
۵۶۹	نمایۀ نام ها
۵۸۳	نمایۀ مفاهیم

درآمد

این دفتر نخستین بخش جلد نخست پژوهش‌های من دربارهٔ اندیشهٔ سیاسی جدید در اروپاست. چنان‌که پیش از این، در دیباچهٔ جلد نخست تأملی دربارهٔ ایران با عنوان دیباچه‌ای بر نظریهٔ انحطاط ایران، یادآوری کرده‌ام، تحریر خلاصه‌ای از این اثر را - که کار پژوهش آن از بیش از چهار دهه پیش آغاز شده بود - هم چون درآمدی بر آن کتاب مفصل آغاز کرده بودم، اما در اثنای نوشتن تفصیلی پیدا کرده و، اگر بحث یار باشد، به عنوان کتابی مستقل، اما در پیوند با آن طرح آغازین، در سه جلد در نه دفتر - در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت. در مجال دیگری، باید دربارهٔ پیوندهایی که میان مباحث این دفترها و آنچه در مجلدات تأملی دربارهٔ ایران آمده وجود دارد، به تفصیل سخن بگویم. این جا به مناسبت انتشار دفترهای سه گانهٔ این نخستین جلد اشاره می‌کنم که این پژوهش بیشتر به عنوان طرح مستقلی آغاز شده بود، اما در اوضاع و احوالی دیگر، که شرح آن را در جای دیگری خواهم آورد، پژوهش دربارهٔ «تاریخ پایه‌ای» ایران را با عنوان تأملی دربارهٔ ایران آغاز کردم و این دو طرح را به یکدیگر پیوند زدم. چنان‌که خواننده با نظر در صفحات این دفترها خواهد دریافت، این «تاریخ اندیشهٔ سیاسی در اروپا»، به رغم پیوندهایی که با همزاد خود دارد، اثری مستقل نیز هست. وانگهی، اگرچه عنوان کلی این مجلدات «تاریخ اندیشهٔ سیاسی» است، که پائین‌تر اشاره‌ای به آن خواهد آمد، اما بیشتر تأملی دربارهٔ «تاریخ فلسفهٔ سیاسی» یا دست‌کم تأمل دربارهٔ وجوه و دوره‌هایی از آن است که برای خواننده‌ای که علاقه‌ای به مباحث «تاریخ پایه‌ای» ایران و اروپا داشته باشد، می‌تواند سودمند افتد. می‌گویم «تأملی» دربارهٔ تاریخ فلسفهٔ سیاسی، زیرا «تاریخ فلسفهٔ سیاسی» تاریخ در معنای دقیق این اصطلاح نیست، بلکه تأمل در بسط فلسفهٔ سیاسی و صورت‌های آن در تاریخ است. به این اعتبار، تاریخ فلسفه

سیاسی عین فلسفه سیاسی است و این تأمل در تاریخ فلسفه همه اطوار و شئون اندیشیدن را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، تاریخ اندیشیدن فلسفی در اطوار و اکوار حیات انسان و تاریخ، و انسان در تاریخ است. از این حیث، همه ناحیه‌های اندیشیدن ناظر بر این اطوار و اکوار هستند و نمی‌توان آن‌ها را جداگانه مورد بررسی قرار داد. از این‌رو، آن‌گاه که از تاریخ «اندیشه‌ها» سخن می‌گوییم، به تاریخ گفته‌هایی نظر داریم که از برخی از پیشینیان صادر شده است، اما اندیشیدن، که به ضرورت فلسفی است، یعنی از الزامات اندیشیدن عقلانی تبعیت می‌کند. از سنخ دیگری است و در محدوده «تاریخ اندیشه‌های» رایج نمی‌گنجد. غایت تأملی در تاریخ فلسفه، به گونه‌ای که در این دفترها عرضه خواهد شد، بیشتر از آن‌که فراخوانی به آشنایی با نظام‌های فلسفه سیاسی باشد، دعوت خواننده به تأملی در آن‌هاست، به این معنا که نظام‌های فلسفه سیاسی «اندیشه‌هایی» درباره حوادث گذشته در مناسبات قدرت نیستند و از این حیث در قلمرو گذشته‌ای منسوخ قرار ندارند، بلکه، برعکس، این تأملی در تاریخ فلسفه سیاسی تأمل در «فلسفه سیاسی» در تاریخ، و اندیشیدن خردورزانه در نظام‌هایی است که موضوع آن‌ها اندیشیدن در مناسباتی است که یونانیان آن را مناسبات «شهر و ندی» — از «شهر» یا *πολις* — می‌خواندند و ما تاکنون به نادرست، اما ناگزیر به «سیاسی» برگردانده‌ایم.^۱

۱. چنان‌که ذبیح بهروز، در رساله‌ای کوتاه، اما حاوی نکته‌های مهم درباره زبان فارسی، به درستی توضیح داده است، واژه «سیاست» در زبان عربی از ریشه «سب» به معنای رام کردن کژه‌اسب آمده است، در حالی‌که واژه یونانی که «سیاست» را به عنوان معادلی برای آن قرار داده‌اند، به معنای «شهر» است. بهروز می‌افزاید: «مقایسه ریشه این دو کلمه با هم اسباب تعجب خواننده خواهد شد، زیرا که رام کردن کژه‌اسب با شهر هیچ مناسبتی ندارد. ولی از روی حدس می‌توان گفت که شاید رام کردن کژه‌اسب در زندگانی بیابان‌گردی با شهرآزایی یا شهریارایی و شهرگانی، که مقصود از کلمه یونانی است، مجازاً نزدیک است.» ذبیح بهروز، زبان ایران، عربی با فارسی، تهران، برنا ۱۳۱۳، ص. ۲۶. بهروز همین نکته را درباره معنای اصطلاح «دولت» به عنوان معادل *State* انگلیسی نیز گفته و با تأکید بر این‌که در عربی *دول* به معنای تغییر کردن و گذشتن، اما واژه انگلیسی از *sto* لاتینی به معنای ایستادن آمده، افزوده است: «این دو کلمه، که یکی [به معنای] تغییر مکان و دیگری ستادن و ایستادن است،

اشاره‌ای به این معنا در عنوان دو رساله مهم فلسفه یونانی آمده بود: عنوان مهم‌ترین رساله افلاطون *πολιτεία* است که در فارسی، به تبع ترجمه‌های جدید آن در زبان‌های اروپایی به «جمهور» ترجمه کرده‌اند.^۱ عنوان رساله ارسطو درباره سیاست نیز *πολιτικά* است که در زبان فارسی آن را به «سیاست» ترجمه کرده‌اند.^۲ ترجمه فارسی عنوان رساله افلاطون، که در آغاز دوره اسلامی به عربی ترجمه شده بود، فیلسوفان دوره اسلامی نیز آن را می‌شناختند و حتی شرح-تلفیض‌هایی را نیز بر آن نوشته بودند. ترجمه‌ای نادرست و نسنجیده است. افلاطون، در این رساله، از نظام جمهوری یا جمهوریت، در تداول جدید آن، بحث نمی‌کند، بلکه موضوع رساله او نظام حکومتی به طور کلی یا - چنان‌که لئو اشتراوس برای فلسفه سیاسی دوره یونانی و قدیم توضیح داده - بهترین شیوه فرمانروایی است، که «بطل به جمهوری ندارد. از زمانی که نوشته‌های افلاطون

به کلی، در ریشه با هم مخالف‌اند، ولی می‌توان از روی سرشت این دو نژاد حدس زد و گفت چون تغییر مکان دادن در زندگی صحرائی و سعاد در زندگانی هر دو اصل معیشت است، این دو کلمه به هم نزدیک است.» بهروز، همان، ص. ۲۴۷.

۱. افلاطون، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۲. مترجمان و شارحان دوره اسلامی ارسطو این اثر را نمی‌شناختند، اما در فهرست‌هایی که بر پایه فهرست‌هایی که شاگردان معلم اول از نوشته‌های او فراهم آورده بودند، ترتیب داده‌اند، به سه عنوان از او درباره «سیاست» اشاره شده است. قطبی در تاریخ الحکماء این سه عنوان را چنین آورده است: «۱. کتابه فی تدبیر المدن و یسمی فولیطیکون»؛ «۲. کتابه الذی رسمه المدن و یسمی بولییتقا و هو کتاب ذکر فیه سیاست اُمم و مدن کثیرة من مدن الیونانیین و غیرها و نسبها و عدد الامم و المدن الی ذکر مائة و احدی و سبعون»؛ «۳. کتاب له فی تدبیر و یسمی بولیطیا مقالاتان».

Ibn al-Qifti, *Ta'rih al-Hukama'*, hrsg von Julius Lippert, Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung 1903, S. 27, 47 & 48.

احتمال دارد نخستین عنوان همان رساله سیاست ارسطو باشد، اگر چه مغرب عنوان یونانی که قطبی می‌آورد، با اصل مطابقت ندارد. منظور از دومین عنوان مجموعه‌ای است که ارسطو از «اصول حکومت» شهرها ترتیب داده بود و شمار آن به یک صد و بیست و هفت می‌رسیده که از آن جمله جز «اصول حکومت آتن» به دست ما نرسیده است. سومین رساله در دو دفتر می‌بایست از خلاصه‌هایی از نوشته‌های متقدمین باشد که نسخه‌ای از آن باقی نمانده است.

به زبان لاتینی ترجمه شد. مترجمان آن عنوان یونانی را به *respublica* لاتینی ترجمه کردند که در واقع به معنای حوزه مصالح عمومی - یعنی امور ناظر بر مصالح جمهور مردم - است. از این حیث، مترجمان دوره اسلامی آن را با عنوان السیاسة به عربی ترجمه کردند و فیلسوفانی مانند فارابی و ابن رشد نیز آن رساله را هم چون تأملی درباره «مدینه» و مناسبات «مدنی» - یعنی شهر و مناسبات شهر وندی - می فهمیدند.^۱ از زمانی که همان رساله افلاطون، با منسوخ شدن لاتینی به عنوان زبان علمی رایج اروپاییان، با نظری به ترجمه های لاتینی به زبان های ملی جدید اروپا ترجمه شد، و به سبب این که اصطلاح *respublica* با اندک تصرفی به زبان های اروپایی راه یافته بود، مترجمان جدید ایرانی نیز که زبان یونانی نمی دانستند، اطلاعی از تاریخ تحول زبان های جدید نداشتند و، بدتر از همه، بر حسب معمول، کسانی را که ترجمه می کردند چندان نمی فهمیدند، آن را به «جمهور» و «جمهوری» برگردانند. در حالی که در هیچ جایی از آن رساله، که رساله ای درباره نظام های فرمانروایی و نظام فرمانروایی مطلوب است، بحثی درباره نظام جمهوری در تداول رایج آن نیامده است. عنوان رساله ارسطو، که مترجمان عربی نمی شناختند و متألّمین مسیحی نیز تا سده دوازدهم میلادی به نسخه ای از آن دسترسی نداشتند، سیاست به صیغه جمع - یعنی سیاست - و موضوع آن تأمل در بهترین شیوه فرمانروایی، یعنی به تعبیر خود معلم اول «فلسفه سیاسی» است. دو شاگرد سقراط، افلاطون و کسنون، که نخستین فیلسوفان سیاسی تاریخ بودند، ترکیب «فلسفه سیاسی» را به کار نبرده اند، اما نخست ارسطو بود که ترکیب یونانی *φιλοσοφία πολιτική* را اصطلاح کرد، که سیسرون آن را با گرده برداری از ترکیب یونانی به *philosophia politica* برگرداند. و مترجمان آثار معلم اول نیز آن ترکیب را پذیرفتند.^۲ این بحث درباره فلسفه سیاسی، که در نزد یونانیان به نوعی همه فلسفه را شامل می شد، در آغاز دوره

۱. جمال الدین قفطی در تاریخ الحکماء می نویسد: «السیاسة فشره حنین بن اسحق».

Ibn al-Qifti, *Ta'rih al-Hukama'*, S. 17.

2. *POL*, III, 1282 b 23; cf. Cicero, *De oratore*, III, 109, 4.

یونانی فلسفه، با سقراط آغاز شده بود، اما نه خود سقراط و نه شاگردان مستقیم او نامی بر آن نهاده بودند. در اندیشیدن سقراطی و افلاطونی، فلسفه سیاسی بخشی از فلسفه به شمار نمی‌آمد؛ اگر مهم‌ترین رساله فلسفی این دوره را رساله افلاطونی «جمهور» بدانیم، تردیدی نیست که افلاطون، به تبع آموزگار خود، فلسفه سیاسی را عین فلسفه و همه آن می‌دانست. بی‌آن‌که بخواهیم به مباحث پیچیده آن رساله اشاره کنیم، می‌توان گفت که تحقق آرمان افلاطونی پادشاه فیلسوف جز بر مبنای وحدت فلسفه و سیاست ممکن نمی‌شد و افلاطون کوشش کرده است نخستین نظام فلسفی این وحدت را بسط دهد. بدین سان، با انتقال نوشته‌های افلاطون و ارسطو به دوره‌های تمدنی مسیحی و اسلامی، و یهودی از مجرای ترجمه‌های عربی و تفسیرهای فیلسوفان دوره اسلامی، اندیشیدن یونانی در مناسبات شهروندی بسطی پیدا کرد، اما امکان طبیعی این شیوه اندیشیدن، اگر از آغاز دوره اسلامی و وجهی از فلسفه یهودی صرف نظر کنیم، هم‌چنان اروپا بود. در اروپا، تا پایان سده‌های میانه، مانند دوره اسلامی، رساله‌های «سیاسی» افلاطون را می‌شناختند، اما نسخه‌های از دست‌نوشته رساله ارسطو در دسترس نبود. اهل فلسفه دوره مسیحی و اسلامی رساله اخلاق نیکوماخی ارسطو را که معلم اول آن را دیباچه‌ای بر رساله درباره سیاست می‌دانست، می‌شناختند و تفسیرهایی نیز بر آن نوشته بودند، اما جای شگفتی است که در بی‌اعتنایی به اشاره‌هایی که در آغاز و پایان آن رساله به رساله دیگر ارسطو آمده، توجهی و برای پیدا کردن نسخه‌ای از آن خطر نکردند. این رساله نخستین بار در نیمه نخست سده سیزدهم به زبان لاتینی ترجمه و مباحث آن به مبنایی برای بحثی در «منطقه فراخ ایمان» درباره «علم مدنی» تبدیل شد.

در جهان اسلام، این رساله ارسطو، تا زمانی که ساکنان این کشورها از طریق آشنایی با زبان‌های اروپایی به وجود اثر ارسطو پی بردند، هم‌چنان ناشناخته ماند، با تأخیر بسیار به عربی و فارسی ترجمه شد، و از زمانی نیز که ترجمه شد،

منشأ اثری نبود.^۱ تا دهه های اخیر، مذهب مختار در اندیشه سیاسی جهان اسلام ترکیبی از مباحث سیاستنامه ها و شریعتنامه ها بود که با ورود استعمار به مناطقی از آن با ایدئولوژی های جدید غربی آمیخته شد. این مباحث فصلی در تاریخ بسط ایدئولوژی های جدید است، به این معنا که در قلمرو تاریخ اندیشه جدید قرار نمی گیرد، زیرا این آمیخته شدن مباحث سیاستنامه های قدیم با ایدئولوژی های جدید پیچیدگی هایی دارد و نیازمند تدوین نظریه ای است تا بتوان به ایضاح منطق آن پرداخت. این دفتر جای طرح این مباحث نیست، اما اشاره ای به آن آوردم تا توضیحی بر عنوان کلی «اندیشه جدید» این دفتر باشد. با این توضیح اجمالی و گذرا، که توجیه آن باید در جای دیگری بیاید، دفترهای جلد های سه گانه این تاریخ را به اندیشه سیاسی جدید در اروپا اختصاص داده و در هر دفتری تفصیل یکی از وجوه اندیشیدن فلسفی درباره سیاست را آورده ام. قید «اروپا» را نیز از این حیث در عنوان آورده ام که این سنت از اروپا به مناطق دیگری از جهان انتقال پیدا کرده، اما به هر حال هم چنان اروپایی مانده است. از سقراط، افلاطون و ارسطو تا واپسین این فیلسوفان سیاسی، هانا آرنست و لئو اشتراوس، همه اروپایی بودند و این هو دو، به رغم این که هریک بیش از نیمی از عمر خود را در ایالات متحده گذرانده بودند و رساله های خود را به زبان انگلیسی می نوشتند، اما در سنت فلسفه سیاسی اروپایی و افلاطون و ارسطو تا هابز، لاک، اسپینوزا و روسو تا کانت، هگل و هایدگر، که با خود به ایالات متحده برده بودند، می اندیشیدند. اشتراوس در فاصله سال های دهه بیست تا هفتاد سده بیستم، نزدیک به نیم سده، در احیای این سنت کوشش هایی بی سابقه کرد. بدینی است که همه بحث هایی را که در دهه های اخیر در بیرون مرزهای

۱. دو ترجمه به فارسی از رساله سیاست ارسطو در دست که عبارت اند از ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، نیل ۱۳۳۷؛ ارسطو، سیاست، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، طرح نو ۱۳۷۸. ترجمه عنایت بر پایه ترجمه ای انگلیسی و ترجمه لطفی نیز از آلمانی برگردانده شده اند. هر دو ترجمه را می توان خواند، اما هیچ یک از این ترجمه ها برای کار علمی سودمند نیستند.

اروپای باختری در اندیشه سیاسی صورت گرفته است، بویژه در ایالات متحده، نمی‌توان به تاریخ بسط آن در اروپا فروکاست، اما اعم از این که خاستگاه نظریه انقلاب امریکا را لیبرالیسم جان لاک یا جمهوری خواهی ماکیاوولی و اومانیسیم شهر وندی فلورانس بدانیم، ناچار، باید این ارزیابی کلی را پذیرفت که امریکا به لحاظ اندیشه نهادهای سیاسی آن بر پایه اندیشه سیاسی اروپایی استوار شده است. توضیح این مباحث در جای دیگری خواهد آمد. اما افقی که اینک من در پیش دارم، یعنی در گام نخست تا نخستین دهه‌های سده بیستم، در یک ارزیابی خوش‌بینانه، از نظام‌های جدید اندیشه سیاسی فراتر نخواهد رفت. مقدماتی که تاکنون توانسته‌ام آماده کنم، در محدوده شش دفتر دو جلد نخست است که با آغاز جنگ جهانی نخست به پایان می‌رسد. نیازی به گفتن نیست که در این دوره اندیشه سیاسی جدید، حتی انقلاب امریکا، به طور عمده اروپایی است. دوره مهمی از تاریخ اندیشه با مرکز توجه در ۱۹۰۰ و با آغاز نخستین جنگ جهانی در ۱۹۱۴ به پایان می‌رسد و دوره‌ای جدید آغاز می‌شود. در سالیان دراز پرسیه‌زدن‌ها در کتابخانه‌های اروپایی و امریکایی، منابع و یادداشت‌های بسیاری برای تدوین این شش دفتر فراهم آورده‌ام و بخش‌های مهمی از آن‌ها را نوشته‌ام و، اگر بخت یار باشد، حاصل آن پرسیه‌ها و پژوهش‌ها باید به تدریج در سال‌های آینده در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

یک نکته مهم دیگر را نیز باید درباره افزودن «تاریخ» در عنوان اصلی بیاورم. منظور از «تاریخ»، در عنوان اصلی این دفترها، صرف توالی گاهشماره‌ای رایج در نوشته‌های تاریخی نیست. نویسندگان تاریخ‌های رایج اندیشه کمابیش به دقت این توالی تاریخی را دنبال کرده‌اند. تاریخ‌های اندیشه سیاسی، از جرج سابین تا اشتراوس و کلوסקو — به کتاب‌های انگلیسی‌زبان از این حیث اشاره می‌کنم که آسان‌تر می‌توان به دست آورد و برخی از آن‌ها نیز به فارسی ترجمه شده‌اند — از فصل‌هایی جداگانه درباره نویسندگان سیاسی فراهم آمده‌اند و واژه «تاریخ» در